

کنگره ملی علوم انسانی و آسیب‌شناسی علمی، آموزشی و پژوهشی علم اقتصاد در ایران

گزارشی از پیش‌همایش گروه اقتصاد شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی

در جهت تبیین اهداف و راهبردهای کنگره ملی علوم انسانی، گروه اقتصاد شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی اولین همایش خود را با حضور جمعی از اساتید و صاحب‌نظران رشته اقتصاد، در تاریخ دیماه در مشهد مقدس برگزار کرد. در این همایش که تحت عنوان آسیب‌شناسی علمی، آموزشی و پژوهشی علم اقتصاد و راه‌های تولید علم در این رشته برگزار شد، اساتید مختلف دانشگاه‌های کشور به آسیب‌شناسی و الزامات تولید علم در این رشته پرداختند.

موضوع سخنرانی دکتر احمد برادران هاشمی از دانشگاه مازندران آسیب‌شناسی علم اقتصاد و ضرورت بومی‌سازی و تولید علم بود. دکتر برادران با طرح مسائلی در خصوص آموزش علم اقتصاد در ایران، آسیب‌شناسی این آموزش و راه‌های بومی‌سازی آن بر تبیین مشکلات و معضلات آموزش اقتصاد در ایران پرداخت. وی با طرح این مسئله که مراد از بومی‌سازی به معنای جایگزینی آن به جای علم اقتصاد نیست بلکه مکمل بودن این علم است به این مسئله تاکید کردند که در هر معرفی دو نوع نظریه وجود دارد. نظریه عام و نظریه خاص. نظریه‌های عام علم اقتصاد دارای تجربه چند قرنی است و ملزومات و مسلماتی را در این نوع نظریه‌ها در جهان پذیرفته‌اند. اما تئوری‌های خرد و بومی و ضرورت وجود یک جریان اصلی تفکر در این رابطه در کشور از جمله نقاط صنفی است که هنوز آموزش علم اقتصاد در کشور نتوانسته است بر آن فائق آید. با طرح دیدگاه‌های دکتر برادران هاشمی، اساتید حاضر در این نشست به آسیب‌شناسی این دیدگاه پرداختند.

دکتر الیاس نادران استاد دانشگاه تهران صرف‌نظر از مسایل آموزش نگاه به مبانی علم اقتصاد و نوع نگرش به علوم اجتماعی را نقطه عزیمت چالش و آسیب‌شناسی این علم در ایران دانستند. نگاه مکانیکی به مسایل اجتماعی، و نگاه غیرارزشی به پدیده‌های اجتماعی مهم‌ترین معضل علوم انسانی در ایران است.

به اعتقاد دکتر نادران بومی‌سازی به معنای آن نیست که مثلاً به جای آمریکا بنویسیم ایران و به جای دلار نوشته شود ریال. بلکه اصل مسئله نگاه به انسان است. تا وقتی نگاه ما به علم نگاه ابزاری باشد با تغییر مفاهیم هیچ تحولی اتفاق نمی‌افتد وقتی استادی مسئله شهادت امام حسین (ع) و مطلوبیت آب را از جنبه اقتصادی یکسان تحلیل می‌کند باید بفهمیم که خطای اینگونه بومی‌سازی و اسلامی

سازی‌ها تا کجا دامن ما را خواهد گرفت. تا وقتی نوع نگاه ما به علم اقتصاد عوض نشود، نباید امید به دگرگونی داشته باشیم. سالهاست که می‌گوییم ربا، نرخ بهره و سود بد است اما اقتضائات نمادی آنرا که ضروری نیز بوده است در جامعه اساساً پدید نیاوردیم. دکتر اسماعیل ابونوری از دانشگاه مازندران عدم توجه به آموزش دوران متوسط را یکی از چالش‌های جدی نظام آموزش و پرورش در حوزه علوم انسانی تلقی کردند و بازسازی این نظام را که بازدهی جز تبدیل دانش‌آموز و در نتیجه دانشجوی به انبار حفظیات ندارد از عوامل اصلی قلمداد کردند. دکتر ابونوری شرط قرارداد درج مقاله در ISI را ضربه به مجلات و مقالات داخلی و تولید علم در ایران و آنرا «ضد بومی‌سازی» خواندند. سهم ناچیز اقتصاد ایران در آموزش دروس رشته اقتصاد و حذف آنها حتی در آزمون از دیگر معضلاتی بود که دکتر سیدعباس موسویان به تبیین آن پرداختند. با وجودیکه ۳۰٪ مباحث و آموزش رشته اقتصاد در اغلب کشورها مربوط به اقتصاد خود آن کشورهاست. در ایران دانشجوی حتی از درآمد کشور خبر ندارد. سهم اقتصاد ایران در اغلب متون اقتصادی هم اندک و هم ناچیز شمرده می‌شود و اغلب مثالها از اقتصاد آمریکا و اروپا آورده می‌شود.

دکتر رزمی ضمن تایید پاره‌ای از نظرات اساتید علاوه بر اقتصاد ایران، ضرورت باز کردن فضا برای آموزش اقتصاد استانی یا اقتصاد منطقه‌ای را یکی دیگر از نکات مهم در ارتقاء این رشته تلقی کردند. بدلیل اینکه گردانندگان وزارت علوم عموماً از رشته‌های غیرعلوم انسانی بوده و هستند، فقدان یک معاونت استراتژیک که بیاید و تبیین کند که در پنج سال یا ده سال آینده وزارت علوم با دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها و سایر مؤسسات خود در پی کسب چه نتایجی است، متأسفانه لطمات جبران ناپذیری به کشور وارد کرده است. اغلب بودجه‌های پژوهشی به کارهای فیزیکی داده می‌شود اما در حوزه تئوری پردازی و نظریه‌سازی در حوزه علوم انسانی با فقدان اعتبارات روبرو هستیم. اگر استادی نظریه‌ای داشته باشد در ارتقاء او تاثیری ندارد بنابراین دیگر انگیزه‌ای ندارد که دنبال حل این مسایل برود. در حوزه علوم انسانی بدلیل فقدان چشم‌انداز به هیچ استادی نمی‌توان گفت که برو در بخش پژوهش کار کن.

شیوه ارزیابی اساتید، تکیه بر مقالات منتشر شده در ISI در علوم انسانی و ... از دیگر چالش‌هایی بود که در این نشست مورد بحث و بررسی قرار گرفت.